بسمه تعالی

<http://marifat.nashriyat.ir/node/2030>

## رسانه های جمعی و نقش آن ها در تحكیم و یا تضعیف ارزش ها

**شمس اللّه مریجی**

# مقدّمه

شكی نیست كه جامعه عرصه بروز و ظهور توانمندی های خدادادی انسان است. البته از این واقعیت هم نباید گذشت كه هر جامعه ای و تحت هر شرایطی توان شكوفاسازی استعدادهای انسانی بشر را ندارد; زیرا جامعه ای می تواند زمینه پیدایش رفتارهای انسانی را فراهم سازد كه خود از امنیت و آرامش لازم برخوردار باشد و این امر نیز در گرو حفظ و پاسداشت ارزش های حاكم در آن است.

از این رو، اندیشمندان و دانشوران فراوانی سعی بسیار نموده اند تا عوامل مؤثر بر نادیده گرفتن ارزش ها و بروز انحرافات در جامعه را شناسایی كنند، و علی رغم دیدگاه های متعدد، همگان بر عامل عدم آگاهی و شناخت اتفاق نظر دارند و این امر در متون دینی نیز مورد تأكید قرار گرفته است.

بهترین و كارآمدترین شیوه پیش گیری و یا حل آن را نیز آگاهی بخشی و شناساندن ارزش ها و هنجارهای حاكم بر جامعه دانسته اند. به اعتقاد دانشمندان علوم اجتماعی، یكی ازابزارهای مؤثر و مفید در این زمینه، «رسانه های جمعی» هستند، به گونه ای كه آن ها را در ردیف عوامل شخصیت ساز قرار داده اند و بر این باورند كه رسانه های جمعی می توانند هنجارهای اجتماعی را تقویت یا تضعیف سازند.[1](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%221) و به تعبیر *ژان كازینو*، وسایل ارتباط جمعی می توانند به تسطیح فرهنگی و یكسان شدن الگوها و اندیشه ها كمك شایانی بكنند.[2](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%222)

روشن است كه درجه تأثیر رسانه ها و نیز استقبال همگانی از آن ها شدت و ضعف داشته، تابع متغیر رشد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه می باشد; چون پیشرفت دانش و فنّاوری سهم اصلی را در نحوه استفاده افراد یك جامعه از رسانه های همگانی دارد.[3](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%223) به هر روی، اصل تأثیر عمیق رسانه های جمعی قابل انكار نیست و این به خاطر وقت زیادی است كه افراد صرف خواندن كتاب، مجلّه، روزنامه، تماشای برنامه های تلویزیون، گوش دادن به رادیو و رفتن به سینما می كنند، به گونه ای كه جامعه شناسان هنگام بررسی آثار و پیامد تماشای تلویزیون در كشورهای صنعتی، متوجه شدند كه این رسانه جمعی برای كودكان و نوجوانان 3 تا 16 سال چنان جاذبه ای دارد كه میانگین وقتی را كه آن ها صرف تماشای تلویزیون می كنند، بیش از وقتی است كه در كلاس درس می گذرانند.[4](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%224)

در میان اقشار جامعه، قشر كودك و نوجوان تحت تأثیر شدید رسانه ها، به ویژه تلویزیون، هستند و این امر از دو جهت قابل توجه است: نخست اینكه در زمانی وسایل ارتباط جمعی با انسان های بزرگ و بالغ برخورد می كنند كه آنان دارای ذهنی پرداخته و ساخته شده هستند. از این رو، پیام ها كمتر می توانند در آن ها رسوخ كنند; زیرا شخص از سازوكارهای دفاعی خاص خود برخوردار است. اما این امر در مورد كودكان مصداق ندارد; ذهن كودك، ساده و فاقد شبكه به هم پیوسته متشكل از اندیشه ها و باورهاست. هنوز ذهن كودك رموز تحلیل عقاید، سنجش و سپس پذیرش یا طرد منطقی آنان را بازنیافته است. بدین روی، كودكان بدون هیچ پناه یا حفاظی در برابر وسایل ارتباط جمعی قرار می گیرند و سخت تأثیر می پذیرند.[5](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%225)

دوم اینكه بنابر تأكید انسان شناسان و دانشمندان علوم اجتماعی، شخصیت افراد غالباً در سنین 3 تا 12 سالگی شكل گرفته، سپس در محیط اجتماعی بروز و ظهور می كند.[6](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%226)

با توجه به نكات یاد شده و این واقعیت كه رسانه های جمعی در جهت تغییر و تضعیف ارزش ها و شكل گیری باورهای منفی نیز كارایی مؤثری دارد، در این نوشتار ابتدا توانمندی این رسانه ها و سپس عملكرد آن ها را در جهت نادیده گرفتن ارزش ها مورد بررسی قرار می دهیم.

# رسانه چیست؟

پیش از تعریف «رسانه» و بیان ویژگی های آن، باید توجه داشت كه ارتباط نه تنها یكی از عناصر مهم و اساسی زندگی گروهی انسان است، بلكه سنگ بنای جامعه و هسته اصلی تشكیل ساختمان اجتماعی است; چه اینكه بدون ارتباط، هرگز فرهنگ پدیدار نمی گشت و بدون فرهنگ، جامعه لباس وجود بر تن نمی كرد. از این رو، در نظام های اجتماعی كوچك و بزرگ همانند خانواده، اجتماعات روستایی، شهری، كشوری و بین المللی، ارتباط در انتقال دانش ها و مهارت ها و نگرش و باورها و ارزش ها، نقش برجسته داشته است و می تواند به شكل گیری و تغییر شناخت ها، عقاید، ارزش ها و رفتار انسان منجر گردد. به همین دلیل، ارتباط به عنوان یكی از ابزارهای اصلی تغییرات اجتماعی و سیاسی مطرح است.[7](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%227) روشن است كه ارتباط خود به خود صورت نمی گیرد، بلكه نیاز به ابزار است. رسانه را ابزار ارتباط دانسته اند و در تعریف آن چنین گفته اند: «رسانه وسیله ای است كه فرستنده به كمك آن معنا و مفهوم موردنظر خود (پیام) را به گیرنده منتقل می كند. به عبارت دیگر، رسانه، وسیله حامل پیام از فرستنده به گیرنده است. كتاب، روزنامه، مجلّه، عكس، فیلم، نوار صوتی و تصویری، رادیو، تلویزیون، ماهواره و... نمونه هایی از رسانه هستند.»[8](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%228)

البته ارتباط گاهی كلامی است كه در آن پیام ها در قالب رمزهای كلامی به صورت شفاهی و یا به شكل نوشتاری منتقل می گردد و گاه ارتباط غیركلامی است كه در قالب رمزهای غیركلامی مثل طرّاحی، نقاشی و موسیقی منتقل می گردد.

ارتباط به لحاظ تعداد افراد درگیر نیز انواعی دارد كه در این نوشتار، نوع ارتباط جمعی آن مورد نظر است. «ارتباط جمعی» نوعی ارتباط است كه در آن افراد زیادی ناآشنا، غیرمشخص و نامتجانس، كه به آسانی قابل شمارش نیستند، مشاركت دارند. سخنرانی در مجامع عمومی و یا ارسال پیام از طریق برنامه های رادیویی، تلویزیونی و نشریات از این جمله است.[9](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%229)

رسانه های جمعی علاوه بر ویژگی های مشترك، هر یك دارای مزیت ها و محدودیت های خاص خود هستند. اما درباره ویژگی های مشترك وسایل ارتباط جمعی، *سادنی مید* می گوید: ویژگی های ذیل وسایل ارتباط جمعی را به ابزاری منحصر به فرد تبدیل كرده اند:

1. تعداد گیرندگان وسایل ارتباط جمعی نسبتاً زیاد است.

2. تركیب گیرندگان بسیار متنوّع است.

3. با ارسال پیام از طریق وسایل ارتباط جمعی، نوعی تكثّر پیام به وجود می آید.

4. توزیع پیام سریع است.

5. هزینه برای مصرف كننده كم است.[10](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2210)

در میان وسایل ارتباط جمعی، روزنامه، رادیو و تلویزیون بیش از هر رسانه دیگری وقت افراد جامعه را به خود اختصاص می دهند و این به خاطر ویژگی هایی است كه آن ها دارا هستند. در این جا، به برخی از ویژگی های آن ها اشاره می كنیم:

**الف. روزنامه:** رسانه ای است كه هر روز چاپ شده، در اختیار مخاطبان قرار می گیرد و دارای ویژگی های ذیل است:

1. به خاطر چاپ روزانه، تازگی خود را همیشه حفظ می كند.

2. از لحاظ شمارگان، در تعداد زیادی منتشر می شود، بر خلاف كتاب و مجلّه كه تعدادشان محدود است.

3. مخاطبان خود را روزانه از اخبار و وقایع داخلی و خارجی باخبر می كند.

4. علاوه بر مطالب علمی و فكری، به داستان و سرگرمی هم می پردازد.

5. ارزان تر از سایر مطبوعات است. از این نظر، تعداد بیشتری قدرت خرید آن را دارند.[11](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2211)

**ب. رادیو:** به عنوان رسانه ای صوتی، كه پیام را به صورت امواج به مخاطبان می رساند، دارای ویژگی های ذیل است:

1. ارزانی و در دسترس بودن همگان;

2. حجم كم، سبكی، قابلیت حمل و نقل، نداشتن محدودیت مكانی;

3. طرز كار ساده و كاربرد آسان;

4. امكان استفاده انفرادی;

5. امكان كار كردن با برق و باتری;

6. قابل استفاده در موقعیت های گوناگون، در حال كار، رانندگی، آشپزی و مانند آن.[12](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2212)

**ج. تلویزیون:** اگرچه تلویزیون بسیاری از ویژگی های یادشده روزنامه و رادیو را ندارد، اما از جهات دیگر، دارای خصوصیاتی منحصر به فرد است كه آن را از سایر رسانه های جمعی، حتی روزنامه و رادیو، متمایز می سازد.

اول، بیشترین مخاطب این رسانه، قشر كودك و نوجوان هستند و با توجه به وقت زیادی كه كودكان و نوجوانان 3ـ16 سال صرف دیدن برنامه های تلویزیونی می كنند، برنامه سازان آن را قادر می سازد با بهره گیری از برنامه های ارزشی و یا هر باور و ایده ای كه خود تشخیص می دهند، رفتار فردی و اجتماعی آینده این مخاطبان را سمت و سو دهند; چه اینكه قشر مذكور در آینده ای نه چندان دور، در نقش های گوناگون اجتماعی ظهور كرده، همچون سرباز جبهه فرهنگی، هر چه را آموختند به منصه ظهور می رسانند.

دوم، رسانه مزبور توان بالایی در جهت پر كردن اوقات فراغت جوانان و حتی غیرجوانان دارد; چه اینكه می تواند با نشان دادن صحنه های تفریحی، ساعت ها افراد را به خود مشغول كند.

سوم، تلویزیون در كشور ایران بیش از رادیو و روزنامه مخاطب دارد; چون با پیروزی انقلاب اسلامی و برق رسانی به نقاط دورافتاده و شبانه روزی كردن برنامه های تلویزیونی و با توجه به ویژگی هایی كه تصویر دارد، غالب افراد جامعه، حتی روستاییان رغبتشان برای تماشای تلویزیون بیش از رادیوست و این امر قابل مشاهده و ملموس می باشد. علاوه بر این، به خاطر رایگان بودن تماشای برنامه های تلویزیون (بر خلاف جوامع صنعتی كه برای تماشای تلویزیون، باید حق اشتراك پرداخت كنند) و تنوّع شبكه ها (كه فرد به دلخواه اجازه استفاده از هر كدام را دارد) این رسانه از روزنامه و خواندن آن ارزان تر است و با وجود سیستم «تله تكس»، حتی خبرهای نوشتاری را هم از طریق تلویزیون می خوانند.

چهارم، قدرت فوق العاده تصویر ـ به گونه ای كه هر تصویری را برابر با هزار واژه دانسته اند ـ از دیگر ویژگی هایی است كه رسانه هایی همچون روزنامه و رادیو ندارند. تلویزیون می تواند با بهره گیری از تصویر، بسیاری از ناگفتنی ها را به تصویر بكشد; بسیاری از ارزش هایی كه به قلم و بیان نمی آیند، در تصویر متجلّی می گردند.

این ویژگی ها تلویزیون را رسانه ای پرقدرت ساخته است. *امام خمینی*(قدس سره) در این باره می فرماید: «دستگاه تلویزیون اگر آموزنده باشد، برای همه ملت آموزندگی دارد و اگر ـ خدای ناخواسته ـ انحراف داشته باشد، همه ملت را به انحراف می كشد.»[13](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2213)

**د. سینما:** سینما رسانه ای تصویری است كه پیام خود را در قالب تصویر به همراه صدا در اختیار مخاطبان خود قرار می دهد، هرچند از لحاظ قدرت تأثیر شباهت زیادی با تلویزیون دارد، اما به سبب محدودیت هایی همچون مكان و نیز گرانی آن برای مخاطب، بسیار محدودتر از روزنامه، رادیو و تلویزیون است. اما به لحاظ تأثیر، بسیار اثرگذار است.

# كاركردهای رسانه های جمعی

رسانه های گروهی دارای كاركردهای گوناگونی می باشند كه از جمله مهم ترین آن عبارتند از:

## 1. كاركرد فرهنگی

اگر فرهنگ را مجموعه ای منسجم از آراء، عقاید، ارزش ها، هنر، آداب و رسوم كه توسط غالب افراد جامعه پذیرفته شده است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود بدانیم كه ارائه مباحث نظری درباره هریك از موارد یادشده را می توان كاركرد فرهنگی رسانه ها به حساب آورد; امروزه بسیاری از افراد بخش عمده معلومات خود را مرهون برنامه های رادیویی و تلویزیونی و یا بهره گیری از رسانه های نوشتاری هستند و این امر در مورد قشر كودك و نوجوان به آسانی قابل مشاهده است; زیرا آنان بیش از دیگر اقشار وقت صرف دیدن تلویزیون می كنند.

## 2. كاركرد سیاسی

در عصر حاضر، رسانه ها با بهره گیری از قدرت تأثیر فوق العاده خود، به راحتی می توانند جریانات و گرایش های سیاسی را برای مخاطبان خود راهبری یا تبیین كنند.[14](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2214) عینی ترین كاركرد رسانه ها در دنیای امروز در همین بخش ظاهر شده و به تعبیر *تافلر* بشر امروز كاملا از رسانه ها منفعل است، بخصوص در بعد دموكراسی و امور سیاسی آینه تمام نمای رسانه هاست.[15](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2215) چه كسی است كه نداند ابر رسانه ها كاملا در اختیار گرایش های سیاسی صهیونیسم بین المللی بوده و اجراكننده برنامه های سیاسی مورد علاقه آن ها هستند؟

با یك نگاه گذرا به تاریخ سیاسی معاصر، به خوبی می توان دید كه بسیاری از منازعات و كشمكش های سیاسی با یاری و یا هدایت و پرچم داری رسانه ها تبدیل به جریانات قومی ـ سیاسی شده و یا تعدیل و حتی خاموش گردیده اند.[16](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2216)

## 3. كاركرد اطلاعاتی

امروزه قسمت عمده ای از انتظارات مخاطبان رسانه ها، دریافت اخبار و اطلاعات روزمرّه است. از این نظر، رسانه های جمعی را دارای حضور بسیار جدّی و مؤكّد در متن زندگی خود می دانند.

افراد جامعه غالباً اطلاعات لازم را از طریق رسانه های نوشتاری و تصویری و یا صوتی به دست می آورند. برای مثال، اگر هرد فرد بنا به گرایش هایی كه آن ها دارند هرچند نخواهد از برنامه های تلویزیونی بهره بگیرد، دست كم اخبار آن را مورد توجه قرار می دهد.

## 4. كاركرد تفریحی

شنیدن و دیدن فیلم ها، نمایش نامه ها، مسابقات و سرگرمی ها، سرودها و اشعار مفرّح كه از طریق رسانه های صوتی و تصویری پخش می شوند، در كنار مطالعه و ملاحظه قصه ها، كه در مطبوعات چاپ و منتشر می گردند، قسمت زیادی از اوقات فراغت افراد را به خود اختصاص داده اند، به گونه ای كه امروزه بسیاری از افراد برای پر كردن اوقات فراغت خود به رسانه پناه می برند و از طریق مشاهده برنامه های تفریحی، خود را سرگرم می كنند. برای مثال، در كشور خود ما ایران، بسیاری از افراد به جای مبتلا شدن به برخی راه های انحرافی و سركردن با گروه های كجرو، ترجیح می دهند در منزل و با بهره گیری از برنامه های ورزشی و تفریحی، اوقات فراغت خود را پر كنند. استقبال از شبكه های «تهران» و «سوم» خود گواهی دهنده این واقعیت است; زیرا شبكه های مذكور عمدتاً برنامه های تفریحی و سرگرمی ارائه می دهند.

# رسالت رسانه‌های جمعی

رسانه ها با توجه به توانمندی هایی كه دارند، یكی از عوامل بسیار مهم دگرگونی ارزش ها، باورها و معیارهای ملّی می باشند، چه اینكه قادرند با برنامه ریزی های دقیق و كنترل شده، اندیشه های مردم یك جامعه را شكل دهند و رفتار آنان را به صورت دلخواه سمت وسو دهند. و این امر در دنیای امروز، كه گروه های اولیه جای خود را به گروه های ثانویه داده اند و روابط عاطفی و چهره به چهره رنگ باخته اند، بسیار ملموس بوده و مردم بیش از پیش تحت تأثیر رسانه های جمعی قرار دارند و این موجب سنگین شدن مسئولیت رسانه ها و صاحبان و گردانندگان آن می شود. *ویلبور شرام*، آنان را به مثابه «دروازه بانان جامعه» دانسته است و در این باره می گوید: دروازه بانان، كه در سراسر شبكه های خبری جای می گیرند، شامل خبرنگارانند كه باید تصمیم بگیرند در جریان یك دادگاه یا یك حادثه خاص یا تظاهرات سیاسی، كدام قسمت را متبلور سازند. كدام خبر را رها ساخته، كدامین خبر را در مجرای وسیله ارتباطی جای دهند. همچنین دروازه بانان مؤلّفان را نیز شامل می شوند; زیرا آنان باید تصمیم گیرند از كدام موضوع یا فرد سخن بگویند یا كدامین دیدگاه از زندگی را مطرح نسازند. تولیدكنندگان فیلم نیز باید تصمیم بگیرند از كدام صحنه، فیلم بگیرند. كتاب فروشان نیز باید تصمیم بگیرند كدام كتاب را برای فروش عرضه كنند، معلّمان باید تصمیم بگیرند كدام كتاب و یا مرجع را درسی تلقّی نمایند. تلخیص كنندگان وقایع نیز باید تصمیم بگیرند كدامین حادثه یا خبر را در خلاصه خود جای دهند.[17](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2217)

سخن مزبور بدین معناست كه صاحبان رسانه هر چه را خود خواستند نمی توانند عمل كنند، بلكه باید مسیری را پیش گیرند كه به سلامت و صلاح جامعه و افراد آن منتهی می گردد. از این رو، *لسول*، یكی از صاحب نظران وسایل ارتباط جمعی، معتقد است كه این وسایل باید به حراست از محیط و همبستگی بین اجزای جامعه و انتقال میراث اجتماعی از نسلی به نسل دیگر كمك كنند.[18](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2218)

*امام خمینی*(قدس سره) درباره رسالت رسانه ها می فرماید: «این دستگاه ها ]رسانه ها [دستگاه های تربیتی است. باید تمام اقشار ملت با این دستگاه ها تربیت بشوند، یك دانشگاه عمومی است، دانشگاه ها، دانشگاه های موضعی است; این دانشگاه عمومی است; یعنی دانشگاهی است كه در تمام سطح كشور گسترده است و وظیفه دارد كه با مردم حكم معلم و شاگرد داشته باشد.»[19](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2219)

در ماده 2 «قانون مطبوعات» مصوّب 1364 آمده است: «روشن ساختن افكار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در یك یا چند زمینه، در موارد خبری، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دینی، هنری و امثال آن از رسالت مطبوعات است.»

# مطبوعات و ارزش‌ها

روشن است كه مطبوعات به خاطر ویژگی های یادشده شان، توان فوق العاده ای در حفظ و ثبات و یا تضعیف و تغییر ارزش های حاكم بر جامعه دارند و به همین دلیل، افراد و گروه های فكری و سیاسی برای ترویج و تثبیت افكار، ایده ها و ارزش های شخصی و گروهی خود، به سراغ یكی از رسانه های نوشتاری می روند تا بتوانند از طریق این ابزار بی بدیل به مقصود خود نایل آیند; چه اینكه به خوبی می دانند كه هر چه به كتابت درآید و با شمارگان بالا در اختیار مخاطبان قرار گیرد تا حد زیادی مسیر ماندگاری خود را هموار كرده است.

مناسب است گذری كوتاه به برخی از این مطبوعات داشته باشیم، تا ببینیم این رسانه كه طبق قانون، باید مروّج ارزش های دینی و اسلامی باشد و در جهت تقویت و تحكیم ارزش های الهی گام بردارد چنین بوده است، و یا واقعیت عینی، امر تلخ دیگری را نشان می دهد. البته ناگفته نماند كه هستند مطبوعاتی كه كم وبیش در جهت رسالت خود گام برداشته و دست كم عامل تضعیف ارزش ها نیستند، ولی در اینجا تنها آن دسته از مطبوعات ذكر می شوند كه عامل انحراف از ارزش ها هستند.

## مطبوعات وابسته و انحرافات ارزشی

دانشمندان علوم اجتماعی، انحرافات را به چند دسته تقسیم نموده اند كه یكی از آن ها «انحراف ارزشی» است. منظور از این انحراف، آن دسته از انحرافاتی است كه در محدوده ارزش ها صورت می گیرند و نوك پیكان حمله شان به باورها، آراء اعتقادی و فكری معطوف می گردد. پس از انقلاب شكوهمند اسلامی، جامعه ایران شاهد احیای ارزش های دینی و الهی بوده و رفتارهای انسانی جامعه نوبنیاد ایران را معطّر كرده و این خوشایند زیاده خواهان و منحرفان نبوده، و پس از خاموش شدن شعله جنگ، با قلم های زهرآلود، كه با خامه غرب و غرب زدگی سیراب گردیده، به جنگ ارزش های الهی رفته و به تحقیر و تضعیف آن ها پرداخته و درصددند جامعه رابه پیدایش رفتارهای تبه كارانه آلوده نمایند. به یقین این مطبوعات وابسته در به وجود آوردن وضعیت یادشده (نادیده گرفتن ارزش ها) مؤثر بوده اند. در اینجا به مواردی به عنوان نمونه اشاره می شود:

**ماهنامه *كیان*، بهمن 1377:** «بی اعتنایی نسبت به همه ارزش ها چاره رفع تعارضات یك جامعه تكثّرگرایی فرهنگی است; همچنان كه امروزه در خارج از كشور روابط بیرون از محدوده زناشویی و همجنس‌بازی امری روا شمرده می شود و كسی متعرّض آن نمی گردد.»

**ماهنامه *زنان*، شماره 59 (دی ماه 1378)، ص 33 به بعد:** «ارزش های دینی دائماً در تغییرند. اگر روزی فاطمه(علیها السلام)می گفت: بهترین زنان كسی است كه نامحرم او را نبیند، امروز كسی نمی تواند این را بپذیرد. اگر روزی سعادت دختر این بود كه در خانه پدر عادت ماهانه نبیند، ولی امروز این امر خلاف سعادت است. این ها همه داد می زند كه این كلمات مقطعی و مخصوص جامعه ای خاص بوده است.»

این در حالی است كه به اعتقاد حقّه ما، ارزش های دینی با توجه به منشأ آن ها، كه همانا وحی الهی و برخاسته از مصالح و مفاسد واقعی است، نه تنها مقطعی نیستند، بلكه متضمّن سعادت بشر در هر زمان و مكانی هستند و بدان دلیل كه از اراده لایزال الهی نشأت گرفته اند و او نیز عالم و قادر و حكیم است، این ارزش ها ثابت و مطلق هستند و منحصر به زمان و مكان خاصی نیستند.

اما رسانه ای كه طبق وظایف قانونی اش باید مروّج ارزش های دینی باشد، می نویسد: **«ارزش مطلق نداریم، زیرا ارزش ها زاییده پویایی جوامع بشری بوده اند و آنچه زاییده ایدئولوژی های ناكجا آبادی باشد، دروغین و حاصل آرمان های بیمار است.»**[20](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2220) و در جای دیگر می نویسد: **«حقیقت ثابت نداریم، حتی در دست انبیاء و معصومین هم حقیقت ثابتی نبوده كه بتوانند آن را برای همه ازمنه و امكنه دیكته كنند.»**[21](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2221)

دیگری نیز می نویسد: **«ارزش ها ملاك و سخن گوی مشخصی ندارند و آنچه به عنوان ارزش عام به جامعه قالب شده است، همانا تصویر ذهنی و ناكجاآبادی گروه یا فردی خاص است. هركس خودش باید ارزش هایش را درك كرده و زندگی را بر اساس آن پایه ریزی كند.»**[22](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2222)

بر خی از این قلم به دستان، كه به گمان خود، كارشناس مباحث دینی و ارزش ها (!) هستند، در بیان مقصود، دست به تحریف زده و با استفاده از ادبیات دینی، به مقابله با ارزش های الهی برخاسته، آن ها را امری حیاتی و اوّلی برای زندگی انسانی به شمار نمی آورند و این گونه می نویسند: **«امام صادق**(علیه السلام)**امنیت و رفاه و عدالت را نیازهای اولیه انسان و از مقوّمات یك جامعه موفق دانسته و دین داری و پای بندی به ارزش ها را نیاز ثانویه او می داند و آن را نیاز عامّه مردم برنمی شمارد.»**[23](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2223)

جالب است بدانیم كه نویسندگان غربی خود اعتراف دارند كه با كم رنگ شدن دین و تربیت دینی، كه بر پایه ارزش های دینی استوارند، چگونه امنیت آنان به خطر افتاده و آمار جرم و جنایت و تجاوز رو به افزایش اند.[24](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2224)

یكی از این رسانه ها نیز پا را فراتر گذاشته و با چاپ نوشته ای، پرورش تجربه معنوی را مبتنی بر اعتقاد به خدای ماورایی ندانسته، بلكه موسیقی و ورزش و مانند آن را در این راه كارگشا دانسته، می نویسد: **«برای پرورش یك تجربه معنوی، نیاز به اعتقاد به یك خدای ماورای طبیعی نداریم، خلقت ما چنان است كه با فقدان یك تجربه معنوی، منبع دیگری را جایگزین می كند. موسیقی، ورزش و حتی بازی های كامپیوتری می توانند تبدیل به مذهب ملّی همه گروه ها شوند.»**[25](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2225)

كار به اینجا ختم نمی گردد، برخی هم كه متأسفانه بر كرسی وعظ می نشینند، كتاب و سنّت را مربوط به گذشته دانسته و تاریخ مصرفشان را به دوران نبی مكرّم(صلی الله علیه وآله) منحصر دانسته و از این طریق، راه ارزش های الهی را مسدود كرده، درصدد جایگزین كردن ارزش های بشری هستند و می گویند: **«آنچه پیامبر از طریق كتاب و سنّت پیاده نموده و احكامی كه بیان كرد، اقدامات ممكنه و مقرّر آن زمان بود، ما هم مطابق زمان خود، باید اقدام كنیم.»**[26](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2226)

بر پایه چنین سخنانی نویسنده دیگری می نویسد: **«احكام اسلام آمیخته به اسطوره اند و اگر از آن ها اسطوره زدایی شود، به راحتی و به مروز زمان، قابل تغییرند.»**[27](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2227) وی از این فراتر رفته، می نویسد: **«مفاهیم دینی مانند ذمّ دنیا، رضا به قضای الهی و توكّل و زهد و... مناسب دوران تأسیس یك نهضت و انقلاب می باشد; چون لازمه انقلاب بریدن از دنیا و از خودگذشتگی است، اما برای دوران ثبات كارایی ندارد.»**[28](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2228)

معنای سخن مزبور در حقیقت این است كه ارزش های الهی واقعیتی نفس الامری ندارند، بلكه ابزاری اند كه گروهی برای پیشبرد اهداف خود از آن استفاده می كنند. یكی از نویسندگان نیز شبیه سخن مزبور، ادعا می كند: **«یكی از معضلات ما شیعیان نداشتن منابع موثّق روایی است. لذا، هر كسی در هر موقعیتی، با ذكر روایات و احادیثی كه به معصومین نسبت داده می شود، جوانان پاك دل و شیفته مذهب را فریب داده و مركز اقتدار مافیایی خود را حفظ می كند.»**[29](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2229)

چنان كه ملاحظه می شود، مطبوعات با چاپ و انتشار صدها مقاله و مصاحبه، ابتدا اصل دین و ارزش ها را مورد هجمه خود قرار داده اند و پس از خدشه دار كردن آن ها، به برخی از نمادها و مصادیق ارزش ها حمله كرده، نسبت به آن ها شبهه افكنی و یا آن ها را تخطئه می كنند تا مرحله اقدام عملی ـ یعنی رفتار غیرارزشی ـ را هموار سازند. به برخی از این نمونه ها توجه كنید: امر به معروف و نهی از منكر به عنوان یكی از مصادیق ارزش های الهی، كه فرزند زهرا(علیها السلام) خود و یاران خود را برای احیای آن، كه در حقیقت احیای دین جدّش بود، فدا كرد، این گونه مورد هجمه قرار می گیرد: **«امر به معروف، دستور دادن نیست، داوری است; داوری بیان معروف و منكر و دعوت به داوری و پاسخ به پرسش اساسی "چه باید بكنیم" است. بنابراین، جریان اطلاعات و بیان باید كاملا آزاد باشد. مردم با داوری خود، امر به معروف و نهی از منكر می كنند.»**[30](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2230)

توجه داریم كه امر به معروف و نهی از منكر خود ضابطه ای دارد كه معارف و احكام آن را، دین و مفسّران آن یعنی ائمّه معصوم(علیهم السلام) با روایات فراوان بیان نموده و مراجع در رساله های عملی خود، آن ها را متعرّض شده اند. اما گوینده سخن مزبور آن را از ارزش دینی به ارزش خود ساخته بشری تنزّل داده است. در نوشته ای دیگر، این فریضه را به معنای دیگر تحریف كرده، می گوید: **«از دیدگاه بنده، امر به معروف، كه در اسلام واجب است، به معنای پاییدن قدرت است، نظارت بر قدرت حاكمه است، نه نظارت مردم بر مردم و بر این خانم یا آن آقا كه ـ مثلا ـ حجابت را درست كن.»**[31](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2231)

در نوشته های دیگر، «حجاب» را، كه یك ارزش دینی است و صیانت زن و جامعه را به همراه دارد، مورد حمله قرار داده، می نویسند: **«احكام اسلام آمیخته به اسطوره اند و اگر از آن ها اسطوره زدایی شود، به راحتی به مرور زمان، قابل تغییرند; مثلا، حجاب جنبه اسطوره ای دارد، نه اینكه برای حفظ عفّت باشد. بله، عفّت را باید حفظ كرد، ولی حفظ آن در هر زمانی به یك روش است و آن روشی است كه عرف زمان آن را بپسندد.»**[32](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2232)

برخی نیز پارا فراتر گذاشته و «حیای زن» را نشانه عقب ماندگی دانسته، می نویسند: **«مظاهر دینی، چون حجاب و حیای زنان، نماد عقب افتادگی است.»**[33](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2233) و به تدریج، پا را فراتر گذاشته، ارزش های ناب شیعی ـ یعنی شهادت و كشته شدن در راه حفظ ارزش های الهی و دین ـ را تخطئه كرده، می نویسند: **«فرهنگ شهادت، خشونت آفرین است. اگر كشته شدن آسان شد، كشتن هم آسان می شود.»**[34](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2234) آن ها به این حد هم اكتفا نكرده و «عاشورا» نیز از این جملات بی بهره نمانده است، به گونه ای كه آن را با در آتش افتادن *سیاوش* و تراژدی های *آنتیگونه* همسنگ دانسته اند; می نویسند: **«عاشورا نماد زنده در آتش افتادن سیاوش است. داستان عاشورا در ایران، داستان دمیدن روح اسطوره سنّت شده سیاوش در تن اسطوره زنده و پویای حسین**(علیه السلام) **است.»**[35](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2235)

در نوشته ای دیگر آمده است: **«تراژدی حسین بن علی مشابه تراژدی های** *آنتیگونه، تامس مور و جان پروكتور***است.»**[36](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2236)

هیأت های مذهبی را، كه با بهره گیری از ارزش های دینی، تشكیل شده و به ترویج و تحكیم آن ها می پردازند، مورد هجوم قرار داده و آن ها را منشأ خشونت دانسته، بانیان آن ها را بسیجی ها می دانند تا با یك تیر دو هدف را نشانه بگیرند.

در روزنامه ***عصر آزادگان*** آمده است: **«هیأت های مذهبی منشأ خشونت اند. بسیجی ها اعضای تشكیل دهنده این هسته ها می باشند.»**[37](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2237)

در ادامه این فرایند، جوانان را از شركت در مساجد متزلزل كرده و با بیان اینكه مسجد رفتن و كتب مذهبی خواندن عقب ماندگی به همراه دارد، سعی دارند جوان را از حضور در میعادگاه عبادت و سجده گاه عبودیت محروم سازند. از این رو، این گونه می نویسند: **«آن دسته از جوانانی كه به مساجد روی می آورند یا كتب دینی را مطالعه می كنند، از نظر ساختار فكری و روانی، ضعیف هستند; یعنی ضعفای نسل جوان از نظر فكری و روانی و كم اطلاع ترین آن ها هستند.»**[38](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2238)

در ادامه این روند، مسئله را شفّاف تر كرده و آنچه را در پشت پرده شبهات دین شناختی و ارزش های دینی پنهان كرده بودند، آشكار كرده اند: **«رواج فساد و فحشا تأثیری در قدرت دفاع و جنگاوری ندارد. مگر عراقی ها هشت سال با ما و ده سال با آمریكا نجنگیدند؟ مگر پسر** *جرج بوش* **در جنگ كشته نشد، با اینكه كاباره ها و شراب فروشی ها برای همه آنان آماده بود.»**[39](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2239) در نوشته ای دیگر آمده است: **«گناه تا به مرحله جرم نرسد آزاد است، گرچه قابل تقبیح اخلاقی است.»**[40](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2240) از این بالاتر می گویند: **«به خدا! عاشق شدن گناهی ندارد. اگر عشق نباشد هیچ چیز زیبا نیست. بگذارید دختران در مدارس، آماده زندگی، عشق و ازدواج شوند. از تحمیل ها دست بردارید. یك مشت دختر افسرده و پسر عقده ای تحویل ندهید این نسل را خراب نكنید. رابطه دختر و پسر را نابود نكنید.»**[41](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2241)

جالب اینكه عدم وجود ارتباط دختر و پسر به صورت غیرشرعی را باعث به وجود آمدن اثرات نامطلوب در جامعه قلمداد كرده، نوشته اند: **«دختر و پسر به دوستانی از جنس مخالف احتیاج دارند و جدا كردن آنان از یكدیگر اثرات نامطلوبی بر فرد و جامعه دارد و امكان پیشرفت را كم می كند.»**[42](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2242)

اساساً هر پدیده اجتماعی، خواه مثبت و مفید و یا منفی و مضر، برای بروز و ظهور خود در جامعه، نیاز به بستری مناسب و كافی دارد. شكی نیست كه رسانه ها، به ویژه رسانه های نوشتاری، در این زمینه نقش منحصر به فردی دارند; زیرا این رسانه ها می توانند با قدرت قلم و تصویر خود، زمینه پیدایش آن پدیده را فراهم كنند و به روش های گوناگون و در قالب های ادبی و هنری درباره آن پدیده ها سخن بگویند. با نگاهی اجمالی به نوشته های اخیر، به خوبی می توان مشاهده كرد كه چگونه پدیده ای به نام «دوستی دختر و پسر نامحرم» و ارتباط غیرشرعی دو جنس مخالف را مهیا كرده و در پیدایش آن در جامعه اسلامی نقش داشته اند.

در نظام ارزشی اسلام، دوستی دختر و پسر نامحرم صورت شرعی ندارد و در افكار عمومی جامعه اسلامی نیز این ارتباط، كه به معنای نادیده گرفتن ارزش های دینی است، قباحت دارد و افرادی كه به این عمل غیرارزشی مبادرت میورزند، مورد مذمّت توده دیندار هستند. اما واقعیت تلخی كه نمی توان آن را انكار كرد، این است كه این رابطه نامشروع دست كم در برخی از شهرهای بزرگ، به تدریج قباحت خود را از دست داده و به نوعی، به صورت هنجار درآمده و مقابله با آن نادیده گرفتن حق شهروندی به حساب می آید. چه زیبا فرمود رسول گرامی(صلی الله علیه وآله): «كیف بكم اذا رأیتم المنكرَ معروفاً؟»;[43](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2243) چه می شود شما را آن گاه كه ناپسند را پسندیده می شمارید و بد را خوب می بینید؟

كار به اینجا ختم نمی شود، بلكه زمینه به گونه ای می شود كه اگر دختر دبیرستانی دوست پسر نداشته باشد مورد تمسخر قرار می گیرد! پدری كه خود معلم بود، می گفت: با دخترم كه سال آخر دبیرستان را می گذراند، رابطه دوستانه ای دارم. روزی به صورت اتفاقی، در میان كتابش نامه ای عاشقانه دیدم كه پسری خطاب به دخترم نوشته بود. وقتی موضوع را با او در میان گذاشتم، گفت: پدر خدا می داند كه این نامه را خودم به خودم نوشته ام تا از سرزنش همكلاسی ها آسوده باشم! بس كه گفتند: عُرضه نداری!

## سینما و ارزش‌ها

سینما از جمله رسانه هایی است كه می تواند در جهت تثبیت و تحكیم ارزش های حاكم بر جامعه و یا تغییر و كم رنگ كردن آن ها، نقش ویژه‌ای ایفا كند. این رسانه علاوه بر توانمندی های عام رسانه ها، دارای ویژگی های خاصی است كه توان ویژه ای به آن داده است. برخورداری از تصاویر متحرّك و گویا و بهره مندی از فضای خاص نمایشی، كه در یك زمان می تواند افراد گوناگون را در كنار هم قرار دهد، سینما را قادر ساخته است تا با ارائه برنامه های هدفمند، باور تماشاگران خود را، كه اغلب جوان و الگوپذیرند، هدف قرار داده، به سمت و سوی دلخواه هدایت كند. از این رو، قدرت مداران و حاكمان زر اندوز و زیاده خواه با در اختیار گرفتن این رسانه، سعی دارند با ارائه فیلم های غالباً مبتذل، افكار و باورهای والای انسانی را تخدیر كرده و با خیالی آسوده به اهداف و اغراض سیاسی و مادی خود نایل آیند. بنیان شركت های سینمایی همچون *هالیوود* به این واقعیت گواهی می دهد.

سینما در ایران نیز بر اساس هدف یادشده شكل گرفت، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این رسانه نیز همچون سایر بخش ها و نهادهای فرهنگی، راه خود را از زیاده خواهان و سیاست مداران جدا كرد و در اختیار توده مردم قرار گرفت و فیلم هایی بر پرده به نمایش درآمدند كه غالباً در جهت تثبیت و تحكیم ارزش های دینی و انسانی بوده و این امر موجب آشتی قشر متدین و مذهبی و خانواده های عفیف با تالارهای نمایش گردید; زیرا در این هنگام، نه تنها فیلم های غیرارزشی و مبتذل بر پرده ها نمایان نمی گشتند، بلكه نمایش فیلم هایی همچون «توبه نصوح» یادآور ماهیت انسانی افراد بودند; یا فیلم هایی به نمایش درآمدند كه گوشه هایی از رزم ایثارگران جبهه توحید را، كه در راه حفظ ارزش های الهی و انسانی تلاش می كردند، به تماشا می گذاشتند، و این باعث مزین گشتن تالارهای نمایش به حضور خانواده ها می گردید. اما این وضعیت پس از یك دهه، آن گاه كه فضای جامعه از عطر دفاع مقدّس خالی شد، دگرگون گردید، به گونه ای كه تصاویر پرده های سینما رنگ و بوی دیگر گرفت و فیلم ها به تدریج، سمت و سوی گیشه ای شدن گرفتند و كم كم دغدغه تثبیت و تحكیم ارزش ها نه تنها به سوی تعمیق آن ها پیش نرفت، بلكه جای خود را به سود و منفعت مادی بیشتر داد و به جای توجه به ارزش های الهی و انسانی جامعه و توده مردم، نگاه ها به دایره داوری جشنواره هایی همچون «كَن» فرانسه و امثال آن دوخته شد تا شاید با دریافت تندیسی، نام جهانی به خود بگیرند، غافل از آنكه در این وضعیت، تلاش تهیه كننده و كارگردان و به تبع آن ها، هنرپیشگان و بازیگران، باید در جهت تبلیغ ارزش هایی باشد كه آن سوی مرزها می پسندند و این یعنی: نادیده گرفتن ارزش های الهی و انسانی جامعه خودی. «كَن» فرانسه به فیلمی جایزه می دهد كه هنرپیشه نقش اول سوار بر اتومبیل «رنو» باشد، تا به وسیله آن، ارزش كمپانی «رنو» را برآورده كند، نه ارزش الهی جامعه ایرانی را، و نه زبردستی كارگردان و هنرپیشه را.

روشن است كه اگر دغدغه سینما ارزش ها و اهداف گروه خاصی باشد، توده از آن رو برگردانده، تالارهای نمایش را ترك می كنند و این تعطیلی برخی از تالارها را به همراه خواهد داشت. كمتر شدن تماشاگران ایرانی سینماها در چند سال اخیر، شاهد گویایی است بر واقعیت تلخی كه گریبان سینمای ایران را گرفته است، تا جایی كه بسیاری از بازیگران سرشناس و متعهد به فرهنگ خودی برای فرار از این وضعیت، رو به جعبه جادویی تلویزیون و مجموعه های تلویزیونی آورده اند كه پیش تر از آن ها كراهت داشتند.

بدین سان، تالارهای پرجمعیت كم شده و بخش های خانوادگی تالارها نیز جای خود را به برخی از جوانان كم سن و سال ماجراجو داده و آنان نیز با تماشای فیلم های گیشه ای و هنرپیشه های كلیشه ای، كه یك شبه و به بركت چهره مقبول هنرمند شده اند، هر روز با حال و وضع جدید به میدان آمده، به ارزش های والای انسانی دهن كجی می كنند.

## سیر تنزّل ارزشی سینما

به دلیل آنكه دین و ارزش های دینی به خاطر ویژگی های یادشده، قوی ترین پیوندهای اجتماعی را در جامعه پدید آورده اند و ركن اصلی در تنظیم روابط افراد در نظام اجتماعی اند، طبعاً تضعیف ارزش ها در جامعه نیز به معنای تضعیف پیوندهای اجتماعی همچون رعایت حقوق همنوعان، ایثار، انسجام، اخلاق، صداقت، انفاق و همیاری دیگران خواهند بود. و این واقعیت را نباید نادیده گرفت كه ارزش های دینی و الهی نیز در قالب قواعد و هنجارها و نمادها قابل پیاده شدن در جامعه هستند. از این رو، هنجارها و نمادهای مذهبی هستند كه در روابط و پیوندهای اجتماعی تأثیر می گذارند. یكی از مهم ترین نمادهای مذهبی، كه در شرایط پس از انقلاب اسلامی بر رفتار مردم تأثیر داشته، «حجاب» و پوشش اسلامی زنان بوده است. این نماد یك معرّف مهم برای میزان اعتقاد هنجاری و میزان نفوذ مذهب در جامعه است.

عملكرد سینمای پس از جنگ یا دهه دوم انقلاب در ارتباط با این نماد ارزشی مردم چندان مثبت نبوده، بلكه با ارائه برخی از فیلم ها ـ كه كم هم نبوده اند ـ حركتی تنزّلی داشته است. برای نمونه، سنجشی را كه یكی از محققان برجسته و جامعه شناس درباره چند فیلم انجام داده است، در اینجا مرور می كنیم.[44](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2244) در جدول ذیل، نشان داده می شوند كه هنرپیشه ها تا چه حد با پوشش خود، حجاب را گسترش یا كاهش می دهند. دو فیلم «برزخی ها» و «بایكوت»، كه در سال 1360 بر پرده سینماها به نمایش درآمدند، در مقایسه با دو فیلم «عروس» و «هنرپیشه» كه پس از اتمام جنگ و خالی شدن فضای جامعه از عطر ایثار و شهادت، به روی پرده ها رفتند، تفاوت معناداری نشان می دهند:

**جدول 1: میزان نمادهای مذهبی (حجاب) نمایش داده شده در فیلم «برزخی ها» (سال 1360)**

**جدول 2: میزان نمادهای مذهبی (حجاب) نمایش داده شده در فیلم «بایكوت» (سال 1360)**

**جدول 3: میزان نمادهای مذهبی (حجاب) نمایش داده شده در فیلم «عروس» (سال 1370)**

**جدول 4: میزان نمادهای مذهبی (حجاب) نمایش داده شده در فیلم «هنرپیشه» (سال 1370)**

جداول به خوبی نشان می دهند كه دو فیلم «برزخی ها» و «بایكوت» كه به دوران دفاع مقدّس برمی گردند، تصاویر زنان با پوشش متوسط و بیشتر ارائه شده اند، اما در فیلم «عروس»، كه در دهه دوم انقلاب و پس از پایان جنگ به روی پرده های سینما رفته، از جمع 47 تصویر هنرپیشه زن 34 مورد كه برابر با 72 درصد است و از مجموع زنان در حدود 35 دقیقه برای تصویرها، به مدت 30 دقیقه (= 83%) با پوشش و حجاب نسبتاً كمتر از متوسط و كمتر از فیلم های سال قبل است. بدین سان، فیلم «عروس» و نیز «هنرپیشه» گام بلندی در تغییر ارزش ها و نادیده گرفتن ارزش های دینی برداشته اند.

در پر فروش ترین فیلم سال 1370، ارزش های مادی، ثروت، نابرابری و سودجویی به عنوان ارزش مثبت و روحیه مصرف گرایی اشاعه داده می شوند و در مقابل، ارزش های مذهبی و انقلابی كاملا تحت الشعاع ارزش های مادی و سودجویی قرار می گیرند. به بخش كوتاهی از گفتوگوی فیلم «عروس» توجه كنید:

پدر عروس به داماد: «باید یك خونه بزرگ و مجهّز در تهران داشته باشی و یك ویلا در شمال، كه صبح ها با صدای امواج دریا از خواب بیدار بشین، با یك اتومبیل آمریكایی...

نمی دونم می تونی عاقل باشی؟ برای اینكه چهار سال عمرتو تلف كردی و یك لیسانس هنری گرفتی و دلت به اون خوشه...» جالب اینكه این فیلم در تاریخ 12/1/75 در ساعت 55:16 از تلویزیون نیز پخش شد و گفتوگوی بالا نیز در آن ذكر شد.[45](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2245)

روند یادشده در سال های اخیر، سرعت بیشتری گرفته و كار به جایی رسیده است كه برخی از تهیه كنندگان و كارگردانان به خود زحمت نداده و دست به كپی آثار غربی زده و به نام فیلم و سینمای ایرانی در اختیار تماشاگران اندك سینما قرار می دهند. نمونه بارز این آثار، فیلم «عروس خوش قدم» است كه چندی بر پرده سینماها به نمایش گذاشته شد; فیلمی كه آشكارا از یك اثر معروف قدیمی سینمای آمریكا اقتباس و به تعبیر درست تر، كپی شده است و حتی به لحاظ پرداخت آدم های قصه، فیلمساز كمترین زحمت اینجایی كردن آن ها را به خود نداده و هر نما و فصل فیلم از نظر ساختاری و مضمونی، از كلیشه های رایج دم دستی و بارها كار شده فیلم های قدیم ایران و خارج استفاده شده است.[46](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2246)

یكی از نویسندگان و منتقدان فیلم درباره وضعیت كنونی سینما می گوید: «این آفت، زمانی شروع شد كه به بهانه آزادی عقیده و بیان، كه در طی سال های گذشته توسط برخی مسئولان بیان شد، سینما را رها كردند تا ـ به اصطلاح ـ هنرمندان و سینماگران به طور مستقل و آزاد فیلم بسازند و فعالیت كنند، اما دریغ كه در این میان، عوامل سوء استفاده گر، كه در هر جریان فرهنگی به وفور دیده می شود، با ساخت فیلم های سطحی و سخیف و ـ به اصطلاح ـ ارزان و مخاطب پسند، حتی باعث كاهش سطح سلیقه تماشاگر سینما شدند!

سینمای ایران پس از انقلاب، در حالی كه می رفت با مدیریتی مشخص مسیر مشخصی را طی كند و در این راه باعث رشد و آگاهی مخاطب شده بود، ناگهان با استدلال های پوچ و بی اساس، اما به ظاهر متمدن و پیشرفته، سینمای ایران را به سقوط كشاند.»[47](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2247)

این حقیقت از دید برخی از بازیگران متعهد و دلسوز، كه به فرهنگ خود علاقه مند هستند، نیز مخفی نمانده و اظهار می دارند كه متأسفانه بار دیگر عامی گرایی در سینما و تلویزیون رواج پیدا كرده است. اكنون شاهدیم كه هر چه طنزها سطحشان پایین تر باشد، میزان جلب بیننده شان بیشتر است.[48](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2248)

باری رسانه ای كه می رفت پس از انقلاب، عاملی قوی در جهت تحكیم ارزش ها باشد، بار دیگر عقبگرد كرده و دست كم، در جا زده است.

## تلویزیون و ارزش‌ها

شكی نیست كه تلویزیون تأثیرگذارترین رسانه ای است كه در عرصه اجتماعی و فرهنگی فعالیت می كند. این رسانه به خاطر برخورداری از ویژگی های خاص و با توجه به وسعتی كه در میدان عمل خود دارد، می تواند جنبه های متعددی از زندگی فردی و اجتماعی افراد در جامعه را تحت تأثیر خود قرار دهد كه ارزش ها از جمله آن هستند.

*ژان كازینو*، دانشمند برجسته علوم ارتباطات، درباره تأثیر این رسانه می نویسد: «تأثیر تلویزیون می تواند دو جنبه از جریان های فكری را در برگیرد: از یك سو، موضع گیری های صرفاً سیاسی; یعنی مثلا، امتیازهایی را كه احزاب و گروه ها، چه احزاب حاكم و چه احزاب و گروه های مخالف، طالب آن هستند; و از سوی دیگر، آنچه تمامی نظام اجتماعی، حتی تمدن و تمامی ارزش های آن را در برگیرد، و بدون شك، میان این دو وجه از تحوّل اجتماعی، كه تحت تأثیر جریان های فكری ای قرار می گیرد كه تلویزیون آن را تقویب یا تضعیف می كند، رابطه وجود دارد.»[49](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2249)

این جعبه جادویی با بهره گیری از دو شاخص و ویژگی «صدا» و «تصویر»، خود را از سایر رسانه های جمعی متمایز ساخته و با دارا بودن میدان عمل وسیع و مخاطبان فراوان، سینما را نیز پشت سر گذاشته و به صورت رسانه ای تكتاز در عرصه اجتماعی و فرهنگی درآمده و از قدرت تأثیرگذاری منحصر به فردی برخوردار گردیده است. تأثیر این رسانه آنگاه بیشتر خواهد شد كه استفاده از آن هزینه ای در برنداشته و به صورت رایگان برای مخاطبان خود برنامه سازی كرده و همگان را به تماشای رایگان فرا خواند; چه آنكه در این صورت، تعداد بیشتری از مخاطبان را به خود و برنامه های خود جلب می كند، تا آنجا كه در هر خانه ای دستگاهی از این جعبه جادویی وجود دارد.

علاوه بر این، رایگان بودن این رسانه موجب گستردگی میدان عمل آن می گردد; چون عدم پرداخت هزینه در قبال استفاده از آن، دست سیاست گذاران و برنامه سازان این رسانه را باز گذارده، آنان را در چارچوب خاصی قرار نمی دهد، بلكه هرچه را سیاست آنان اقتضا می نماید و اهدافشان را در بردارد، در معرض دید مخاطبان و تماشاگران خود قرار می دهند. آنان اگرچه نیم نگاهی به علاقه مخاطبان در برخی از سرگرمی ها دارند، اما در سیاست های كلان و اهداف، خود را ملتزم به خواست مخاطبان ندانسته و تابع آن نیستند، به خلاف رسانه هایی كه در قبال خدمات خود هزینه دریافت می كنند; چون آنان با هزینه هایی كه مصرف كنندگانشان پرداخت می كنند اداره می گردند و در صورت عدم اقبال و استفاده مخاطبان، حیات خود را از دست می دهند.

این نكته را نیز نباید از نظر دور داشت كه تلویزیون در صورتی می تواند در جهت انسجام اجتماعی و حفظ ارزش های حاكم بر جامعه تأثیرگذار باشد كه در انحصار دولت باشد، وگرنه چنانچه در اختیار گروه ها و احزاب قرار گیرد، كار آن بسیار مشكل خواهد شد. *كازینو* در این باره می نویسد: «در نظامی كه تلویزیون در انحصار دولت است و قدرت سیاسی هم انحصاری است و ایدئولوژی نظام حاكم هم مردمی اند، تلویزیون به راحتی می تواند وحدت جامعه را حفظ كند، اما اگر دولت بخواهد هم به عقاید مختلف احترام بگذارد و هم ارزش های مورد علاقه خود را حفظ كند و در این راه تلویزیون را در انحصار خود نگیرد كار مشكل خواهد بود.»[50](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2250)

بدین روی، نمی توانیم به این بهانه كه تلویزیون رسانه ای همگانی و با هزینه دولتی و مربوط به همه آحاد ملت است، همه ارزش های موجود را فراموش كرد و به دفاع و گسترش ارزش های حاكم و غالب جامعه نپرداخت.

## نمایش های تلویزیونی و ارزش ها

هرچند تلویزیون رسانه ای است كه در بدو اختراع، بیشتر جنبه سرگرمی و تفریح داشته و برای سرگرم كردن خانواده ها و بینندگان در نظر گرفته شده و سایر جنبه ها همچون آموزش و خبررسانی در رتبه بعدی قرار دارند، اما این بدان معنا نبوده است كه در بخش سرگرمی هم نمی توانیم نمایش ها و فیلم هایی را در اختیار بیننده قرار دهیم كه جنبه معرفتی و آموزشی داشته باشند. مجموعه های نمایشی با رویكرد تاریخی، علمی و فرهنگی گویای این حقیقت هستند كه این رسانه می تواند در عین سرگرمی و تفریحی بودن، جنبه آموزندگی نیز داشته باشند. تلویزیون پیش از انقلاب، به عنوان ابزار ابتذال و انحراف مطرح بود و متدینان و نیروهای ارزشی از آن دوری جسته بودند. اما پس از پیروی انقلاب اسلامی، این رسانه با ارائه برنامه و نمایش های سالم و ارزشی مورد استقبال همگان قرار گرفت و به عنوان مهم ترین ابزار سرگرمی و آموزشی، جایگاه خاصی در میان خانواده های مذهبی باز كرد. اما این رسانه نیز همانند سینما، البته نه به اندازه آن، پس از اتمام جنگ و دفاع مقدّس روند دیگری در پیش گرفت، حتی به نوعی مسیر انحراف از ارزش ها را به بهانه جذب مخاطب و جلوگیری از روی آوردن آنان به ابزارهایی همچون ویدئو و ماهواره و امثال آن، و با ساخت برخی نمایش ها و فیلم ها خواست ـ به تعبیر رئیس اسبق این رسانه ـ دفع افسد به فاسد كند![51](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2251) این در حالی است كه آن دسته از افرادی كه به ماهواره و امثال آن روی آورده اند غالباً مخاطب و بیننده برنامه های تلویزیونی نبوده اند. با این سیاست، متدینان و دین باوران به سوی انحراف از ارزش ها سوق داده می شوند.

با توجه به اینكه زبان تصویر قدرت فوق العاده ای در جهت تحكیم یا تضعیف ارزش ها دارد، در اینجا نمونه ای از این نمایش های تلویزیونی را كه پس از جنگ ساخته شده بود، مورد توجه قرار می دهیم:

# الف. مجموعه تلویزیونی «سایه همسایه ها»[52](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2252)

در این مجموعه تلویزیونی، روابط اجتماعی در بین اعضای یك محلّه قدیمی تهران نشان داده می شود. هنرپیشه ها از لباس های عادی و ساده استفاده می كنند. و همچنین وسایل منزل كه به نمایش درآمده اند بسیار محدود و بیشتر مناسب قشر پایین جامعه اند. نمادهای مذهبی نیز در این فیلم نه به صورت افراطی و زننده و دافعه برانگیز، بلكه به صورت متعادل و طبیعی كاملا رعایت شده اند.

در مجموع این قسمت، كه قریب 8 دقیقه زنان هنرپیشه ظاهر می شوند، همگی دارای پوشش كاملا اسلامی و بدون آرایش هستند. در 68 دقیقه ظهور مردان، در 60 درصد از زمان، مردها با محاسن و ریش بوده اند و به مدت 11 دقیقه نمادهایی همچون انگشتر عقیق، تسبیح، جانماز و عبا نشان داده شده اند.[53](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2253)

# ب. سریال «مهمان»[54](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2254)

موضوع این مجموعه درباره بازگشتن موقّت پسر بزرگ خانواده از فرانسه است و در ایران نیز فكر و خیالش بیشتر در فرانسه و در پی همسر فرانسوی اش است. اما این مسئله را از اقوامش پنهان نگاه می دارد. از سوی دیگر، اطرافیانش عموماً درباره مسائل پیش پا افتاده، همچون سوغاتی فكر می كنند و در نظر دارند برای او یك همسر ایرانی بیابند. این مسئله در یك ویلای بزرگ دو طبقه و در باغی بسیار وسیع، قریب دو هزار متری روی می دهد. در درون ساختمان ویلا، دیوارها با رنگ های طلایی، گچ بری و با تابلوهای گران قیمت تزیین شده اند و وسایل منزل همگی حاكی از ثروت كلان هستند. در این قسمت از مجموعه كه به صورت نمونه گیری انتخاب شده است، ارزش های مادی عبارتند از:

ویلای مجلّل كه توصیف آن گذشت; وسایل قیمتی كه قریب یك میلیون و پانصد هزار تومان در سال 1370 محاسبه شدند; زیور آلات زنان با ارزشی بالا و دو زن اول هنرپیشه در بیشتر لحظات مجموعه حضور داشته و نقش های اول را به عهده دارند و هر دو بینی شان را عمل جرّاحی كرده و خود را در حدّ بالایی به زیورآلات آراسته اند. در یك صحنه، دختر آقای *ستوده*، در سه انگشت دست چپ 5 انگشتر طلا دارد.

# ج. سریال «باغ گیلاس»[55](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2255)

این مجموعه، كه قسمت هشتم آن به صورت نمونه انتخاب شده است، یك موضوع كم و بیش ماجراجویانه (قاچاق، قتل و تعقیب) را دنبال می كند. طی آن برخی افراد در فكر كسب پول و دست یابی به ارزش های مادی و سودجویی از طرق كم و بیش نامشروع (برج سازی در باغات، قاچاق و مانند آن) هستند.

نكته ضدارزشی این قسمت از مجموعه آن است كه ماجراهای كم و بیش هیجان برانگیز مثل قتل، قاچاق، تعقیب و فرار با بازی دو زن نسبتاً زیبا و بسیار آرایش كرده و با پوشش عموماً غیرمعمولی، ـ مثلا، پیراهن مردانه شیك بر روی دامن ـ در حد بالایی تحریك كننده اند و این صحنه ها با موسیقی عموماً خارجی و جدید برای جوانان از جذّابیتی برخوردارند كه می توان با آن ها ارزش های مستتر را منتقل نمود و با زاویه ای بسیار نامحسوس، مسیر رفتاری آن ها را تغییر داد.[56](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2256)

این سه نمونه به خوبی روند حركتی نمایش های تلویزیونی را نشان می دهند و این واقعیت تاكنون با سرعت بالایی رو به افزایش بوده است. مجموعه هایی در تلویزیون، به نمایش درمی آیند كه در آن ها دوستی دختر و پسر رفتاری بهنجار نشان داده می شود و آن را رفاقت سالم می نامند! حتی در برخی از برنامه ها، گفتوگوها و میزگردهایی با چند دختر و پسر با پوششی نه چندان مناسب ترتیب داده می شوند كه این خود تأییدی ضمنی بر نشست های دو جنس مخالف است; آنچنان كه شاهد پارتی های مبتذل در سطح جامعه هستیم; و این همه، خود گامی است در جهت انحراف از ارزش ها.

در اینجا، به یك نمونه از این حركات ضدارزشی اشاره می شود كه در نیمه اول سال 1382 از آنتن شبكه پنج سیما به نمایش درآمد، در مجموعه ای به نام «مهر خاموش» كه به ظاهر سعی داشت موضوع دفاع مقدّس را با نگاهی دیگر مورد بررسی قرار دهد، ولی در پایان، نه تنها در نمایش واقعیات دوره زیبای بروز ارزش ها توفیقی نداشت، بلكه با ظرافت خاصی كه از نگاه تیزبینان مخفی نبود، اصل انقلاب و دفاع مقدّس را زیر سؤال برد.

در این مجموعه با موضوعی خانوادگی، پدر فردی انقلابی و رزمنده بود كه دایم در جبهه حضور داشت و از خانواده ای مذهبی و كم درآمد بود، ولی مادر هرچند در دوران دانشجویی فردی انقلابی بود و همین موضوع نكته توافق این دو بود، اما از خانواده ای سلطنت طلب و ثروتمند به شمار می آمد كه پس از ازدواج و تولّد دومین فرزند، با تحریك پدر، از موضع اوّلی خود عدول نموده و سودای سفر به فرنگ كرده و ابتدا سعی كرد شوهر را نیز با خود همراه كند تا در آن دیار، به كمال و پیشرفت خود و فرزندان نایل آیند، ولی وقتی شوهر مخالفت كرده بود از او جدا شده و با فرزندش به فرانسه سفر نمود، و پس از بیست سال، به ایران بازگشته بود تا در زمینه تخصص فرزندش سرمایه گذاری كند. ولی فرزند به جستوجو برای پیدا كردن پدر می پردازد و در این میان، ماجراهایی پیش می آیند. در این مجموعه، كه انتظار می رفت به ارزش های دینی و انقلابی و دوران دفاع مقدّس بپردازد، شاهد موارد بسیاری از انحراف از ارزش ها بودیم. در اینجا، به یكی از نقدهایی كه درباره این سریال انجام شده است اشاره می شود:

بازی و تكیه كلام های هنرپیشه زن، كه به عنوان كلفت خانه پدر همسر است، خود جای سخن فراوان دارد. این خدمت كار زن، فردی ساده و با چادر و مذهبی است، ولی علی رغم مذهبی بودن، به دخترش سفارش و حتی دعوا می كند كه با *مهران* گرم بگیرد و رابطه داشته باشد و او را تشویق به رابطه با *مهران*، پسر از فرانسه برگشته، می كند، در حالی كه این دختر عقد شده پسر عمّه خود است! علاوه بر این، معلوم نیست كه چه اصراری است كه در اغلب مجموعه های تلویزیونی باید كلفت ها و افراد فرودست چادری باشند و خانم های تحصیل كرده و نقش مثبت، خانم های بدحجاب باشند!

نكته دیگر آنكه در این مجموعه، رابطه نامشروع دختر و پسر در این سریال حل شده است; در اوایل مجموعه، در مراسم جشنی كه در خانه دوستِ خانم برقرار است، چند دختر و پسر، كه باهم دوست هستند، شركت دارند و در این جشن هم دختر صاحبِ خانه دوست سرسخت *مهران* (پسر از فرنگ برگشته) می گردد و این دوستی ادامه دارد تا اینكه سر و كله دخترخوانده آقای دكتر (پدر مهران) با حجاب كامل پیدا می شود و ایشان با آنكه دارای حجاب كامل است كه معرّف ارزش های اسلامی می باشد، كمی از دختر ایرج (فردی سرمایه دار كه در خانه او جشن برقرار بود) ندارد و آنچنان عاشق پیشه و زرنگ است كه دختر آقای *ایرج* را كنار می زند.

مورد دیگر رابطه آقای *كلانی*، وكیل خانواده پریسا (زن) با خانم *پریسا* می باشد كه در خارج و بعد در ایران در كنار هم زندگی می كنند و ظاهر امر (گفتوگوی میان پریسا و كلانی در سراسر مجموعه) برمی آید كه این دو وقتی به فرانسه رفتند ازدواج كرده اند و انتظار می رفت در آخر مجموعه، مسئله روشن شود كه این رابطه بر چه اساسی است، ولی در نهایت، این رابطه روشن نگردید. هرچند *كلانی* به دور از چشم *پریسا* همسری برگزیده كه البته به عنوان منشی دفتر وكالتش است.

نكته دیگری كه بسیار مهم است، در آخر داستان، پس از رفتن *پریسا* (همسر دكتر *نوریانی*) به خارج، چنان آقای دكتر (همان فرد رزمنده و انقلابی) متوجه اعمال و رفتار گذشته خود می گردد و چنان خود را می بازد كه سرش را در میان دو دست می گیرد كه با رفتن به خارج از كشور و به دنبال پریسا، طوری می خواهد گذشته خود را جبران نماید و با رفتار خود، ثابت می كند كه در گذشته اشتباه می كرده است.[57](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2257)

تأسف بار این است كه از بیت المال مسلمانان استفاده می شود و علیه ارزش های اسلامی كار می كنند و از رسانه ای بهره می گیرند كه به فرموده امام راحل، «دانشگاه عمومی» است و به نام «حفظ و احیای ارزش ها»، ریشه ارزش ها را می زنند و از آن ها منحرف می شوند. رابطه نامشروع، به سخریه گرفتن چادر و حجاب، پشیمانی از رفتار ارزشی و مانند آن ها هدیه مجموعه های تلویزیونی اینچنینی هستند كه در مرئی و منظر نسل سوم گذاشته می شوند.

# كلام آخر

در پایان، تذكار دو نكته بایسته است:

نخست آنكه تحقیق حاضر درصدد تخطئه همه رسانه های موجود در جامعه نیست، چه اینكه هیچ منصفی نمی تواند عملكرد ارزشی و مثبت برخی از رسانه ها، به ویژه رسانه صدا و سیما را نادیده بگیرد; زیرا همگان شاهد هستیم كه تلویزیون جمهوری اسلامی در برخی از حوزه ها، عملكردی مثبت داشته و در جهت روشنگری سیاسی و امنیتی جامعه سعی وافر نموده است، حتی در برخی موارد، كارهای فرهنگی مناسبی همچون مجموعه های تاریخی ـ مذهبی برگرفته از فرهنگ قرآن و جامعه نیز موفق عمل كرده است. اما جامعه متدین و اسلامی ما از این رسانه، كه امامش آن را «دانشگاه عمومی» دانسته و دانشمندان علوم اجتماعی آن را در شمار عوامل اجتماعی شخصیت ساز قرار داده اند، انتظار می رود كه در جهت تقویت و تحكیم ارزش های اسلامی، كه به بركت خون شهیدان و همّت نام آورانی همچون امام راحل(قدس سره) بر جامعه حاكم گردیده اند، تلاش بیشتری نمایند.

دوم آنكه، در سطور پیش ملاحظه گردید كه رسانه تا چه حد در نادیده گرفتن ارزش های حاكم بر جامعه تأثیرگذار بوده و پیامدهای ناگوار آن در جامعه مشهودند. اگر امروز محققان اجتماعی بنابر آمار رسمی، از افزایش درصد طلاق خبر می دهند و توجه داریم كه این امر در جامعه ای صورت می گیرد كه اعتقاد دیرینه اش آن است كه «زن با چادر سفید وارد منزل شوهر می شود تا با كفن سفید از آن خارج گردد»، آیا می توان تأثیر مجموعه های تلویزیونی را، كه در آن ها پس از اجرای صیغه طلاق، دو طرف شادی می كنند و به هم تبریك می گویند و با شیرینی، شیرین كام می شوند (!)، نادیده گرفت؟ آیا اگر از رسانه عمومی می شنویم كه درصد ازدواج كاهش یافته است، ناخودآگاه متوجه فیلم ها و مجموعه های تلویزیونی كه تجرّد را آسایش و زندگی مشترك را درگیری با انواع دردسرها و مشكلات معرفی می كنند، نخواهیم شد؟

اگر در كوچه ها و خیابان های محلّه و شهرمان شاهد روپوش های كوتاه و گاه مردانه هستیم و نسل سومی ها بی چادر و یا چادرهای باز در برابر ما عبورمی كنند، آیا به یاد ظاهر برخی (= غالب) بازیگران سینما و تلویزیون نمی افتیم؟!

چگونه می توانیم كم رنگ شدن فریضه امر به معروف و نهی از منكر و به تعبیر *شهید مطهّری*، اصل اصیل و ركن ركین اسلام را متأثر از فیلم و مجموعه های تلویزیونی ندانیم كه در آن ها بازیگر نقش اول در برابر نصیحت و خیرخواهی طرف مقابل می گوید: «درس اخلاق نده»، «وقت این حرف ها گذشته»، «این حرف ها قدیمی شده»، «بگذارید جوان ها جوانی كنند»![58](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%2258)

با این همه، اگر برخی از رسانه ها را در ردیف عوامل مؤثر در انحراف از ارزش ها قرار دهیم، كار گزافی كرده ایم؟ باور بر این است كه رسانه های جمعی، به ویژه رسانه های تصویری ارزان قیمت مثل تلویزیون، می توانند از مهم ترین، قوی ترین و كارسازترین عوامل در جهت تقویت و تحكیم ارزش های الهی در جامعه ما باشند، به این شرط كه در جهت اهداف و رسالت تعیین شده شان عمل كنند.

به امید روزی كه گردانندگان رسانه ها، به ویژه رسانه های صوتی و تصویری، یك بار دیگر به شرح وظایف قانونی و شرعی خود مراجعه نموده، عملكرد خود را در پرتو آن به نظاره بنشینند. در آن صورت است كه نوشته هایی از نوع نوشته حاضر را یاری دهنده خود تلقّی خواهند نمود.

**پی‌نوشت‌ها**

[1](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_1)ـ بروس كوئن، *مبانى جامعه شناسى*، ترجمه و اقتباس فاضل توسّلى، تهران، سمت، 1372، ص 112.

[2](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_2)ـ ژان كازینو، *جامعه شناسى وسایل ارتباط جمعى*، ترجمه باقر ساروخانى و منوچهر محسنى، تهران، اطلاعات، ص 155.

[3](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_3)ـ جواد فخّار طوسى، *امام خمینى و رسانه هاى گروهى*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینى (ره)، 1381، ص 3.

[4](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_4)ـ بروس كوئن، پیشین، ص 112.

[5](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_5)ـ باقر ساروخانى، *جامعه شناسى ارتباطات*، تهران، اطلاعات، 1372، ص 177.

[6](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_6)ـ جمعى از نویسندگان، *زمینه روان شناسى*، ترجمه سعید شاملو و دیگران، تهران، رشد، ج 2، ص 73.

[7](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_7)ـ محمدحسن امیرتیمورى، *رسانه هاى آموزشى*، شیراز، ساسان، 1377، ص 10.

[8](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_8)ـ همان، ص 16.

[9](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_9)ـ همان، ص 14.

[10](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_10)ـ مهدى محسنیان راد، *ارتباط شناسى*، تهران، سروش، 1380، ص 62.

[11](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_11)ـ على محمد نقوى، *جامعه شناسى غربگرایى*، تهران، امیركبیر، 1363، ج 1، ص 171.

[12](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_12)ـ محمدحسن امیر تیمورى، پیشین، ص 192.

[13](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_13)ـ امام خمینى، *صحیفه نور*، مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینى (ره)، ج 9، ص 456.

[14](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_14)ـ ر.ك: ژان كازینو، *قدرت تلویزیون*، ترجمه على اسدى، تهران، امیركبیر.

[15](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_15)ـ آلوین تافلر، *موج سوم*، ترجمه شهیندخت خوارزمى، تهران، فاخته، 1375، ص 314 به بعد.

[16](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_16)ـ جواد فخّار طوسى، پیشین، ص 5.

[17](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_17)ـ باقر ساروخانى، پیشین، ص 65.

[18](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_18)ـ همان، ص 83.

[19](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_19)ـ امام خمینى، پیشین، ج 6، ص 399.

[20](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_20)ـ جمعى از طلاب و روحانیان، *آزادى یا توطئه*، قم، فیضیه، 1379، ص 100.

[21](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_21)ـ همان.

[22](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_22)ـ مجید محمّدى، *هفته نامه آبان*، ش 100، ص 3.

[23](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_23)ـ محسن كدیور، *روزنامه صبح امروز*، 11/11/78، ص 6.

[24](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_24)ـ ر.ك: نگارنده، «علل نادیده گرفتن ارزش ها»، مجله *معرفت*، ش 72، ص 9.

[25](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_25)ـ ر.ك: روزنامه *عصر آزادگان*، 16/1/79، ص 7.

[26](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_26)ـ محمّد مجتهد شبسترى، *ماهنامه زنان*، ش 57 (آبان 1378)، ص 21ـ22.

[27](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_27)ـ عبدالكریم سروش، *ماهنامه زنان*، ش 59 (دى ماه 1378)، ص 33 به بعد.

[28](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_28)ـ عبدالكریم سروش، روزنامه *ایران*، دى ماه 1377.

[29](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_29)ـ ر.ك: هفته نامه *پیام هاجر*، ش 310، 16/1/79، ص 6.

[30](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_30)ـ محمّد مجتهد شبسترى، روزنامه *پیام آزادى*، 28/1/79، ص 3.

[31](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_31)ـ عزت اللّه سحابى، روزنامه *فتح*، 20/11/78، ص 7.

[32](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_32)ـ عبدالكریم سروش، ماهنامه *زنان*، ش 59 (دى ماه 1378)، ص 33 به بعد.

[33](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_33)ـ نوشین احمدى خراسانى، ماهنامه *جامعه سالم*، تیرماه 1377.

[34](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_34)ـ عبدالكریم سروش، روزنامه *نشاط*، خردادماه 1378 به نقل از كتاب *آزادى یا توطئه*، ص 124.

[35](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_35)ـ ر.ك: هفته نامه *پیام هاجر*، ش 11، 23/1/79، ص 2.

[36](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_36)ـ محمّدسعید حنایى كاشانى، ماهنامه *كیان*، فروردین 1378.

[37](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_37)ـ محمّد قوچانى، روزنامه *عصر آزادگان*، 20/1/79، ص 3.

[38](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_38)ـ محمّد مجتهد شبسترى، روزنامه *فتح*، 15/10/78، ص 8.

[39](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_39)ـ جمعى از طلاب و روحانیان، پیشین، ص 120.

[40](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_40)ـ همان، ص 130.

[41](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_41)ـ ر.ك: هفته نامه *ایران جوان*، ش 156 (5/10/78)، ص 2.

[42](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_42)ـ جمعى از طلاب و روحانیان، پیشین، ص 119.

[43](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_43)ـ شیخ حرّ عاملى، *وسائل الشیعه*، تهران، مكتبة الاسلامیه، ج 11، ص 396، ح 12.

[44](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_44)ـ فرامرز رفیع پور، *وسایل ارتباط جمعى و تغییر ارزش ها،* تهران، نشر كتاب فردا، 1378، ص 19 به بعد.

[45](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_45)ـ همان، ص 33و34.

[46](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_46)ـ محمّدتقى فهیم، *روزنامه كیهان*، پنج شنبه 23 مرداد 1382.

[47](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_47)ـ محمود گبرلو، همان.

[48](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_48)ـ ولى اللّه مؤمنى، همان.

[49](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_49)ـ ژان كازینو، *قدرت تلویزیون*، ص 180.

[50](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_50)ـ همان، ص 184.

[51](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_51)ـ محمد هاشمى، «سخنرانى در جمع طلّاب در مسجد اعظم قم»، سال 1369.

[52](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_52)ـ قسمت نهم، سال 1365.

[53](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_53)ـ ر.ك: فرامرز رفیع پور، پیشین، ص 50ـ52.

[54](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_54)ـ قسمت دوم، سال 1370.

[55](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_55)ـ قسمت هشتم، سال 1372.

[56](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_56)ـ همان، ص 49ـ72.

[57](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_57)ـ محمّد میرانى، روزنامه *كیهان*، پنج شنبه 20/6/82، ص 10.

[58](http://marifat.nashriyat.ir/node/2030%22%20%5Cl%20%22_58)ـ ر.ك: به مجموعه هاى تلویزیونى، مثل «پاورچین»، «نقطه چین»، «كمربندها را ببندید» و ده ها مورد دیگر.